

## ابلاغ

### سایت کانون ابلاغ اندیشه های شریعتی

#### جوابیه زندانی سیاسی علی صارمی به اظهارات بی پایه جعفری دولت آبادی دادستان تهران

علی صارمی اواسط شهریورماه سال 86 و چند روز پس از برگزاری مراسم یادبود شهدای اعدام های سیاسی سال 67 توسط ماموران وزارت اطلاعات بازداشت شد و در دی ماه سال 88 پس از 28 ماه بلاتکلیفی به اتهام "ارتباط با سازمان مجاهدین خلق" از سوی دادگاه انقلاب به اعدام محکوم شد. به تازگی عباس جعفری دولت آبادی، دادستان تهران از تایید و قطعیت حکم اعدام علی صارمی سخن به میان آورده و در مورد این زندانی سیاسی اظهاراتی نادرست ارائه کرده است. بر همین اساس این زندانی سیاسی 62 ساله ی محکوم به اعدام که در زندان رجایی شهر کرج، محبوس است، با انتشار نامه ای در صدد پاسخگویی به دادستان تهران برآمده است. متن جوابیه ی مذکور به شرح زیر است:

بنام خدا

از میان مردمان صادق گروهی در راستای وفای به عهد و پیمانشان با خدا و مردمشان بشهادت رسیدند و گروهی دیگر در انتظارند (قرآن) و من از منتظرانم. هر حقی که پایمال گردد مقاومتی را ایجاد می کند که ظالمان مجبورند به دنائت روی بیاورند و سرکوب را پیشه کنند.

هموطنان عزیز، دادستان تهران دولت آبادی در مصاحبه ای با مجله موسوم به پنجره که در کیهان مورخ 26 / 2 / 89 درج شده است، اتهام مرا ارتباط با سازمان مجاهدین خلق و تاریخ دستگیری مرا شهریور 88 اعلام کرده است یعنی بعد از قضایای انتخابات.

در حالی که تاریخ دستگیری اینجانب علی صارمی 13 / 06 / 86 یعنی 2 سال قبل از انتخابات و رفتن من به شهر اشرف جهت دیدار با پسرم در سال 84 بوده و به خاطر آن دیدار چند روزه به 1 سال حبس محکوم شدم. دستگیری من در سال 86 بخاطر حضورم در گورستان خاوران بر سر مزار اعدام شدگان سال 67 بود. ولی آیا واقعا حضور بر سر مزار و یا هواداری یک سازمان ویا دیدار پدری با فرزندش از نظر شما محاربه و حکمش اعدام است؟ به همین دلیل اظهارات دادستان تهران بی اساس تر از آن است که نیازی به توضیح داشته باشد و به قدری این اتهام بی اساس است که حاضر نیستند حتی حکم را به وکیل ابلاغ کنند. حکم را بدون امضای من و وکیل به تجدید نظر صوری و فرمایشی برده و تایید کرده اند.

با این حال فریاد می زرم که آنها حتی با اعدام و حلق آویز کردنم نمی توانند مرا و هموطنان آزاده ام را بترسانند چرا که آن قدر آنها را ترسانده ام که مجبورند اعدام کنند. چون تنها دلیل صدور چنین حکم هایی ترس آنها از وضعیت متزلزلشان است، نه انصاف و عدالت.

حال به عنوان پدری که فرزندانش امثال فرزند، علی، فرهاد، شیرین و مهدی را تازه به دار آویخته اند و هزاران فرزند دیگر را پیشتر از این، از من چه انتظاری می رود جز آنچه به عنوان یک ایرانی موحد و آزاده فریاد بر آورم.

تنم گر بسوزی

به تیر آن بدوزی

کجا

کی توانی

ز قلم ریایی

تو عشق میان من و میهن من

اگر در طول حیاتم و حتی 23 سال زندان بودم، نتوانستم وظیفه ام را در قبال خدا، مردم و میهنم انجام دهم  
شاید اعدامم در بیداری مردم موثر باشد.

خطاب به مردم و میهنم، باز هم فریاد می زنم: در راه تو کی ارزشی دارد این جان ما

پاینده باد خاک ایران ما

والسلام

زندانی سیاسی علی صارمی

اردی بهشت 1389

منبع: هرانا